

دیدار خانواده‌های شهدا، ایثارگران و جانبازان استان خراسان رضوی - 27 اردیبهشت/ 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

برای من افتخار و شرف است که در جمع خانواده های معظم شهیدان و بازماندگان افرادی که برترین عناصر انسانی زمان ما بودند و در جمع جانبازان عزیز که شهیدان زنده ی دوران ما هستند، حضور پیدا کنم.

خانواده ی شهیدان و ایثارگران از نظر تأثیر و ارزش رفتار و حرکت، فقط با خود شهدا قابل مقایسه هستند؛ با هیچ قشر دیگری در انقلاب، این مجموعه قابل مقایسه نیستند. ارزش آن مادران و پدران، آن همسران و فرزندان و بازماندگان که حرمت خون شهیدشان را حفظ کردند و خودشان با صبرشان، با گذشتشان مظهر دیگری شدند از فداکاری در پیشبرد اهداف انقلاب، این است که یکی از مؤثرترین و نقش آفرین ترین عناصر کشورند. نمیخواهیم تعارف کنیم یا خوشامد بگوئیم؛ میخواهیم حقیقت مطلب آنچنان که هست، روشن شود.

يك ملت با آرمانهای بلند و اهداف مقدس و والا در مقابل جبهه ی وسیع دشمنی های کینه توزانه، برای رسیدن به این هدفها و آرمان چه کار باید بکند؟ جز همت، جز عزم راسخ، جز ورود در میدانهای خطر، جز خطرپذیری و آمادگی برای رویارویی با حوادث، کار دیگری میتواند بکند؟ و ملت ما این کار را کرد. ملت ما به دنبال آرمانها و هدفهای والای انقلاب اسلامی در مواجهه ی با دنیای نکبت بار کفر و استکبار و کین توزی های قدرتهای سلطه طلب شرق و غرب حرکت کرد و عزم راسخ نشان داد. مظهر این عزم راسخ در يك دوره ی طولانی، همان جوانانی بودند که به تعبیر توصیف کننده ی شهدا کربلا «لبسوا القلوب علی الدروع کأثم یتهافتون الی ذهاب الأنفس»؛ دلها را بر روی زره ها پوشیدند و به استقبال خطر رفتند؛ عاشقانه وارد میدان شدند و جان گرامی و عزیزشان در مقابل آن آرمانها در نظرشان کوچک شد. با چنین عزمی، با چنین اقتدار معنوی و روحی ای رفتند و در میدانها ایستادند. مقاومت آنها توانست زانوی جبهه ی متحد کفر و استکبار را خم کند، او را از پا در آورد و از میدان خارج کند. این کار را جوانهای ما کردند.

اگر ما در زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، آبادی کشور، عزت ملت هر پیشرفتی در طول این بیست و هفت سال کردیم، مرهون فداکاری آن کسانی است که در بحرانی ترین روزها و سخت ترین آزمونها سینه هایشان را سپر کردند و رفتند در مقابل خطر ایستادند؛ هوشیارانه و صبورانه مقاومت کردند و جنگیدند. «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر». برترینهاشان آن کسانی بودند که به شهادت رسیدند. شهدای زنده ی ما، این جانبازان عزیز هم در حقیقت شهیدند، اینها برترینهایند. این بود که ملت ایران را به صورت يك نیروی شکست ناپذیر در آورد؛ این است که در تحلیلهای امروز دنیا، آنجائی که صحبت از تعرض و تجاوز و اهانت به ملت ایران است، عقلای قوم میگویند با ملت ایران شوخی و سرسختی نکنید. این اقتدار معنوی را همین جوانها برای ما به وجود آوردند و این شد يك ذخیره برای این ملت. خون شهیدان ما هدر نرفت؛ خدا را سپاس میگوئیم.

شهدای ما، هر قطره خونشان توانست اکسیری بشود برای تبدیل عنصرهای پست و نخاله ی وجود ما به عنصرهای والا و باشرف. شهدا خودشان متحول شدند و در ارواح جوانان ما و مردم ما تحول آفریدند. جوانهای امروز نه امام را که مظهر قداست و شرف و نمونه ی برترین اولیا بعد از معصومین بود، دیده اند، نه دوران جنگ را تجربه کرده اند، نه سختیهای دورانهای قبل از انقلاب را دیده اند؛ اما همین جوانهای امروز با روحیه ی آماده و قوی، با ذهن روشن و عزم راسخ ایستاده اند. این بر اثر چیست؟ این همان تزریق خون است که شهیدان ما به این انقلاب انجام دادند؛

شهیدان ما را زنده کردند. این، یک ذخیره است. این ذخیره را ملت ایران باید حفظ کند.

به خانواده‌ی شهدا می‌خواهیم پیردازیم. من عرضم این است که پدران شهدا، مادران شهدا، همسران صبور شهدا، فرزندان شهدا در این افتخارات پشت سر شهدا قرار دارند. اگر خانواده‌های شهدا این صبوری را نداشتند، این تکریم به شهادت عزیزان خود برایشان این قدر با اهمیت نبود، قدر شهادت در جامعه‌ی ما می‌شکست. شهدا خودشان گوهر گرانبهائی شدند و درخشیدند و خانواده‌های شهدا با رفتار خود، با ایمان خود، با صبوری خود، این گوهر درخشنده را در معرض دید همه قرار دادند.

لازم است از همسران جانبازان هم صمیمانه تشکر کنم؛ خانواده‌هاشان، همسرانشان، که این شهیدان زنده را مثل جان گرامی رعایت کردند و حفظ کردند.

دو سه نکته عرض کنیم: یکی این است که یاد شهیدان نباید در جامعه‌ی ما از ذهنیتها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرامی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه‌ی استانهای کشور این معنا وجود دارد. بیست و سه هزار شهید استان خراسان بزرگ - شامل سه استان کنونی - یکی از برجسته‌ترین و بزرگترین رقمهای افتخارآفرین است. نگذارید غبارهای فراموشی - که عمداً گاهی این غبارها را می‌خواهند بر روی این خاطره‌های گرامی بپاشند و قرار بدهند - روی این خاطره‌های گرامی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاههای دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده‌ها هم در محیطهائی که شعاع نفوذ و سلطه‌ی آنهاست، این کار را انجام بدهند. از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده‌اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضد ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده‌ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند. شما ببینید توطئه‌های دشمن تا کجا از لحاظ فرهنگی و سیاسی نفوذ میکند و چقدر من و شما باید هشیار باشیم که جلو این توطئه‌ها را بگیریم. معیار اسلامی، «شهید» را از زمره‌ی مردم معمولی بیرون می‌برد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن یک نگاه والائی است که به عقل ما هم درست نمی‌گنجد. حتی با نگاه‌های مادی معمولی، شهید آن کسی است که جان خود را برای نجات شرف و استقلال ملتش فدا کرده. هیچ وجدان و شرفی، هیچ دل بیدار و غیر بیماری میتواند این را انکار کند؟ در کشور ما، در ایران اسلامی ما در یک برهه‌ای از زمان سعی کردند این را انکار کنند. فرزندان شهدا به نام پدرانشان افتخار کنند. آنها کسانی بودند که نه در راه تهاجم به یک کشور بیگانه و به یک همسایه، در راه مقابله‌ی با تهاجم یک دشمن، در راه حفظ میهن، حفظ استقلال، حفظ شرف ملی ایستادگی کردند. آن کسانی که در زمان حکومت شریر بعثی، به ایران حمله کردند و میخواستند ایران یا لاقلاً قسمتی از ایران را مثل وضع فعلی عراق بکنند که اشغالگر بیاید داخل خانه و محله‌ی زندگی مردم و امکان تنفس را از پیر و جوان و مرد و زن بگیرد؛ به آنها اهانت کند، آنها را تحقیر کند، پا روی گردن آنها بگذارد؛ این کار را میخواستند با ملت ما بکنند. ببینید امروز اشغالگران در عراق چه کار میکنند! جلو جوان غیور عرب، مرد بیگانه همسر و خواهر او را بازرسی بدنی میکنند! به یک مرد غیور از دیدن چنین منظره‌ای چه میگردد؟ یک جوان غیرتمند عرب را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندانش روی زمین می‌خوابانند، لگد روی پشت و روی سرش می‌گذارند. به یک خانواده‌ی عزتمند و با شرف چه میگردد در یک چنین وضعی؟ اینها میخواستند این کار را با ملت ایران بکنند. صدام و حزب بعث و پشتیبانان امریکائی و شوروی و اروپائی او قصد داشتند با ملت ایران چنین معامله‌ای بکنند. و این جوان رزمنده‌ی ما نگذاشت. کدام افتخار از این بالاتر؟ جوان رزمنده‌ی ما رفت مثل کوه در مقابل تجاوز دشمن ایستاد. چه افتخاری با این افتخار برابری میکند؟ شما دختر همین جوانی، پسر همین جوانی، همسر همین جوان بودی، پدر مادر همین جوان هستی؛ افتخار کن. این یک مطلب، که یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید

فراموش بشود. شما غفلت کنید، نیروهای انقلاب غفلت کنند، نیروهای مؤمن غفلت کنند، نفوذی های دشمن از آن طرف وارد میشوند و چیزی هم طلبگار میشوند. «فاذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة حداد اشحة على الخير اولئك لم يؤمنوا فاحبط الله اعمالهم»؛ وقتی که روز خطر است، در لانه ها خزیدند و نفسشان در نیامد. وقتی خطر برطرف شد؛ مردان خطرپذیر در مقابل خطر سینه سپر کردند و خطر را برطرف کردند، اینها از لانه هاشان بیرون می آیند؛ زبانهای دراز، زبانهای تیز، طلبگار هم میشوند! مگذارید دشمنان انقلاب، دشمنان امام، دشمنان خط جهاد، دشمنان خط ایمان بالله، طلبگار بشوند.

من تشکر میکنم از کسانی که یادواره های شهدا، کنگره های بزرگداشت شهدا را با محتواها و مضمونهای قوی و عالی در سراسر کشور برگزار کردند و همچنین از آن کسانی که یاد و خاطره ی شهیدان را در کتابها تدوین و پخش کردند. بنده خودم از این کتابها هر چه دستم برسد میخوانم و بهره مند میشوم؛ حقیقتاً بهره مند میشوم. انسان لذت می برد؛ از لحاظ روحی ابتهاج پیدا میکند وقتی این شرح حالها را میخواند. نگذارید این خط متوقف بشود.

نکته ی دوم این است که خود خانواده ی شهدا؛ جوانهای شهدا؛ پسرهایشان، دخترهایشان بایستی پاسداران حقیقی ارزشهای شهید باشند. امروز بحمدالله بسیاری از فرزندان شهیدان و جانبازان ما در دانشگاهها، در رتبه های علمی یا فارغ التحصیل شدند یا در شرف فارغ التحصیلی هستند؛ مبادا امواج گوناگون، اینها را از آن ریشه ی باارزشی که دارند، غافل کند. ریشه ی آنها همان شهادت است. فرزندان جانباز افتخار کنند به پدران جانبازشان که با جوانی در عین سلامت و تندرستی جسمی به میدان جنگ رفتند و برای خاطر خدا سلامتشان را برای همه ی عمر - یا چشمش را، یا گوشش را، یا دستش را، یا نخاعش را - از دست داده اند. این، افتخار دارد. این حرکت عظیم، بزرگترین افتخار است. فرزندان این عزیزان، همسرانشان و خانواده هاشان به وجود اینها افتخار کنند. خود شما پاسداری کنید؛ نبادا بگذارید کسانی با تبلیغاتشان، با وسوسه هاشان این روحیه را بشکنند. من گاهی در ملاقات با خانواده های عزیز شهدا، از اینها میشنوم که از برخی از اظهاراتی که گاهی کسی گوشه کنار میکند، گله مندند. تحت تأثیر این حرفها قرار نگیرید. حقیقت را که نمیشود پوشاند؛ این حقیقت درخشان که عزیز شما توانسته است کشورش را، استقلالش را، عزت و حرمت ملی را حفظ کند. این نکته مربوط به خانواده های شهدا و خانواده های جانبازان است.

نکته ی سوم در مورد بنیاد شهید است. بنیاد شهید بایستی همه ی توان و نیرو و نشاط و امکانات را در خدمت رفاه مادی و معنوی و اخلاقی خانواده ی شهدا قرار بدهد. این، اصل است. این اصل باید در همه جا مورد توجه قرار بگیرد؛ هم در مشهد و خراسان و هم در نقاط دیگر.

و آخرین نکته این است که داعیه ی ما در دنیای امروز، داعیه ی کوچکی نیست؛ داعیه ی بزرگی است. نمیتواند تبلیغات خارجی تو سر جنس ما بزند. ما میدانیم چه میخواهیم و چه داریم؛ ارزشش را میدانیم. داعیه ی ما آنچنان داعیه ای است که امروز در دنیای اسلام، در هر کشوری از کشورهای اسلامی - چه در آفریقا، چه در آسیا - و در هر نقطه ای این داعیه ها و این شعارها مطرح بشود، اکثریت قاطع مردم با آن همراهی خواهند کرد؛ برای آن شعار خواهند داد و اظهار ارادت و عشق خواهند کرد. این، داعیه ی ماست؛ یعنی داعیه ای است که حرف دل همه ی ملتهای مسلمان است. شما استقبالی را که مسلمانها در کشورهای مسلمان از رئیس جمهور کنونی ما و در دورانهای قبل از رؤسای جمهور ما - که آنها را مظهر نظام اسلامی میدانستند - کرده اند، ببینید. این دیگر عرب و عجم ندارد؛ اینجا آسیائی و آفریقائی ندارد. وقتی کسی که مظهر ایران اسلامی است و در آن کشورها حاضر میشود، دلها، نه به صورت تشریفات، نه ظاهرسازی، به استقبال او میروند و برای او شعار میدهند؛ اگر دولتها و پلیسهای آنها و دستگاههای امنیتی آنها جلوشان را نگیرند. داعیه ی ما چنین داعیه ای است و این داعیه در همه ی دنیای اسلام طرفدار حداکثری دارد. من میگویم دنیای اسلام، اما دایره از این وسیع تر است؛ در غیر دنیای اسلام، مردمی که با

کاری که جمهوری اسلامی دارد میکند و کرده است، آشنا هستند، آنها هم همین احساس را دارند؛ منتها آنجا آشنائی ها کمتر است. تبلیغات ما، تبلیغات متناسب با عظمت کارمان نبوده؛ تبلیغاتمان ضعیف بوده است. هرجائی که میدانند، از این آرمان طرفداری میکنند. این آرمان چیست؟ این آرمان «ضدیت با نظام سلطه» است.

ما میگوئیم دنیا را سلطه گران عالم تقسیم کرده اند به دو قسم: سلطه گر و سلطه پذیر. ما با این مخالفیم. سلطه گران غلط میکنند که بر دنیای غیر کشور خودشان میخواهند سلطه پیدا کنند. و دولتهای سلطه پذیر - که زورگوئی آن سلطه گران را قبول میکنند - بیجا میکنند که علی رغم میل ملتهای خودشان تسلیم آن سلطه گرها میشوند؛ این حرف ماست. ما میگوئیم ملتها هویت خودشان را باید حفظ کنند؛ منافع خودشان را باید حفظ کنند؛ منابع طبیعی شان باید برای خودشان باشد؛ دیگران نباید به اینها زور بگویند؛ نباید سرزمین اینها را غصب کنند؛ نباید بر اینها سلطه ی سیاسی و فرهنگی پیدا کنند؛ این حرفی است که همه ی ملتها و بسیاری از دولتها این حرف را قبول دارند و از بن دندان این حرف را می پذیرند. این داعیه ی ماست. شعار در دنیا خیلی است؛ هنر ملت ایران این است که این شعار را در عمل محقق کرده؛ «دو صد گفته چون نیم کردار نیست». روشنفکرهای زیادی در دنیا همین حرفها را زدند؛ اما حرف بود. ملت ایران عمل کرد؛ ملت ایران ایستاد و همین ایستادگی بود که برکت کرد و صدق دعای ملت ایران را برای ملتهای دیگر ثابت کرد و این طور ملتهای دیگر علاقه مند به ملت ایران شدند. این داعیه ی ماست. این داعیه ای است که کسی در کشور ما بتواند از او دست بردارد؟! جرأت کند از مردم ملاحظه نکند و بتواند بر خلاف این داعیه حرکت کند؟! آن مجموعه ای، آن حزبی، آن گروهی، آن جناحی، آن جریانی که بخواهد برخلاف این رفتار کند، مردم توی دهن آن جریان میزنند.

رحمت و فیض الهی را برای ارواح طیبه ی شهدای عزیزمان مسئلت میکنم. عافیت و سلامت را برای جانبازان عزیزمان از خداوند متعال مسئلت میکنم. صبوری و تحمل را برای خانواده های عزیز شهدا، خانواده های جانبازان، فرزندان آنها، همسران آنها، پدر و مادرهای آنها مسئلت میکنم.

پروردگارا! ما را در این راه ثابت قدم بدار. پروردگارا! رفتار ما، گفتار ما، نیتهای ما را مورد رضای ولیّت قرار بده؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده. پروردگارا! روح امام را از ما راضی کن؛ روح شهدا را از ما راضی کن؛ مرگ ما را جز به شهادت در را خودت قرار مده.

والسلام علیکم ورحمةالله